



۲۰۲۱/۱۲/۲۱



خلیل الله معروفی

ابعاد نامکشوف "اعظم رهنورد زریاب"

در ارتباط با "تهاجم فرهنگی ایران"

مخاطب خاصم: "پوهاند صاحب دودیال"!!!

"محمد اعظم رهنورد زریاب" بدون شک سرآمد قلمزنان ادبیات داستانی افغانستان بود و اگر او را "استاد" خطاب کرده اند، کاملاً بجای است. "رهنورد زریاب" نه تنها در افغانستان، بلکه در منطقه و بالاخص در کشور همسایه و همزبان ما "ایران" هم از شهرت بسزائی برخوردار بود. "رهنورد زریاب" پارسال در روز یازدهم دسمبر، جهان زندگان را ترک گفت. پس در همین امروز - ۱۱ دسمبر ۲۰۲۱ - که مُصادف با اولین سالروز و سالگره وفات او بود، در داخل وطن به تجلیلش پرداختند و اندر باب خدمات نیمقرنه و پنجاهساله اش به ادبیات و زبان دری/فارسی سخنها گفتند. من هم به رسته و به نوبه خود در زمینه چیزی مینگارم، مگر بر ابعاد نامکشوف و نامشهود چهره او روشنی می‌اندازم. البته از قلم من، که مدّاحیگری را یاد نگرفته است، توقع نشخوار کردن سخنان تکراری را نبرند؛ یعنی سخنانی را، که دیگران به کرات و مرات و مکرّر در مکرّر گفته اند.

ضمن این نوشته بر ابعاد ناشناخته و نامکشوف و نامشهود و نامحسوس "رهنورد زریاب" مکث میکنم و اگر سخنان من به مذاق بعض کسان خوش نخورد، باکی هم ندارم. من عادت کرده ام، که در پهلوی گوشه‌های مثبت، بر جهات و جنبه‌های منفی اشخاص هم پرتو افکنم. آنچه را خواننده عزیز و گرامی ولی "متوازن و بانصاف" درین مقاله میخواند، برای بسا کسان و بالخاصه برای هواداران و هواخواهان و طرفداران "رهنورد زریاب" ناگوار خواهد افتاد. به هر حال همین است، که است و غیر ازین را شایسته نیست گفتن:

جناب "پوهاند محمد بشیر دودیال" در بدو مقاله خود در صفحه ۶ دسمبر ۲۰۲۱ در پورتال "افغان جرمن آنلاین" در مورد درگذشت "استاد آشکار"، از وفات چند دانشمند خدمتگزار افغان در روزگار ما حکایت کرده و با خطاب "اعظم رهنورد زریاب" به حیث "استاد"، او را در ردیف نویسندگانی چون "پوهاند رسول باوری" و "عنابی" و "عمرخیل" و "استاد نگارگر" و "استاد تاج محمد یاری" قرار میدهند. سؤال من از جنابشان، که نویسنده ماهر و دانشمند آگاه و متبحر هستند، اینست، که آیا از کارنامه ناگوار و سخت مذموم "اعظم رهنورد زریاب" در بزم و رزم فرهنگ و سیاست وطن آگاه هستند؟؟؟ اگر جواب منفی ست - که فکر میکنم حتماً و هرورمرو منفی ست - پس اجازه بدهند، که در زمینه چیزهائی را پیش بکشم:

"جناب دودیال صاحب" و بسا خوانندگان ارجمند دیگر حتماً از "تهاجم فرهنگی ایران در افغانستان" شنیده و اثرات شومش را در عمل چشیده اند؛ و اگر چنین نیست، اجازه بدهند، که در زمینه اندک معلومات ارائه نمایم:

البته باید به تأکید بگویم، که "تهاجم فرهنگی ایران" و اثرات سوء و شوم ملموس و ناملموسش را در عرصه‌های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی، هیچ افغان متعادل و آگاهی نمیتواند انکار کند؛ و باید دریافت، که "رهنورد زریاب" چه رول مخرب و بربادگری را در همین عرصه بازی کرده است؟؟؟

در مورد "تهاجم فرهنگی ایران در افغانستان" مقالات فراوان و مختلف‌النوعی منتشر ساخته ام، که همه در پورتال مفخم و آزاده "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" و اندکی هم در همین وبسایت معزز "آریانا افغانستان آنلاین" قابل دریافت هستند. جای دارد، که جناب "پوهاند دودیال" سری به آرشیف مقالاتم در هر دو وبسایت زده و لااقل تعدادی از این مقالات را از نظر مبارک خود بگذرانند!!!

باید جداً و به تأکید بگویم، که "تهاجم فرهنگی ایران در افغانستان" چیزی نیست، که کس منکرش شده بتواند و اگر بگویم، که منکر چنین پدیده‌ای، "کافر" است، جای دارد. کشور همسایه ما، "ایران"، این تهاجم را از زمانی آغاز کرد، که نام خود را از "فارس" به "ایران"؛ یعنی "سرزمین آرینها" تعویض کرد؛ و این در سال ۱۹۳۵ع و در جوش عروج "حزب نازی" در المان به وقوع پیوست، که "آریائی پرستی" رونق روز گذشته بود!!!

"تهاجم فرهنگی ایران" از همان وقت تا به امروز به طور فزاینده‌ای در گسترش بوده و ابعاد تازه‌تر و وسیع‌تری را به خود گرفته است؛ در حدی، که امروز از "زبان و فرهنگ" فراتر رفته و وجهه و خصلت سیاسی پیدا کرده است. متأسفانه دولتهای "خوئرده" و در واقع دولتهای "بیغمباش" بر سر اقتدار افغانستان در زمینه هیچ توجهی نکردند؛ و تکلیف چل و چند سال بی‌ثباتی سیاسی و جنگ ویرانگر اخیر هم خود به خود روشن است، که باعث توسعه و رشد مزید و فوق‌العاده سریع این پدیده شوم گذشته است.

رژیم استبدادی ولی بلندپرواز و "آخوندکرات" ایران چنان، که بر همه مردم منطقه دور و نزدیک ما روشن گشته، گامهای وسیع‌تر و گسترده‌تری را درین عرصه برداشته است. "رژیم ملاکراسی ایران" اهداف تهاجمی خود را مگر از طریق عمال و نوکران زرخرید افغانی خود عملی میکند. بلی؛ "رژیم ایران" و نیز "دستان پشت پرده و پنهان"، امال و امیال شوم و شووینستی خود را از طریق عمال زرخرید و غلامان حلقه بگوش خود - که متأسفانه وطنداران "ناافغان" و "ضد افغان" ولی در هر حال، "بی وجدان" مایند - عملی میکنند!!! "تهاجم فرهنگی ایران" به ظاهر، محض در کسوت و حله "فرهنگی و زبانی" جلوه می‌فرود، اما در کنهش اهداف خطرناک "سیاسی و ستراتیژیک" نهفته است. اندرین باب "یک سینه سخن" در ذهنم خطور میکند، که امیدوارم عمر و صحت یاری کنند، تا شمه‌ای از آن را در طبق اخلاص نهاده و پیش روی وطنداران ارجنمدم بگذارم!!!

یکی از چهره‌ها و مهره‌های خطرناک و غلامان زرخرید و حلقه بگوش ایران، همین "رهنورد زریاب" بود، که ویروس یا ویرس کشنده کورونا به سر وقتش رسید و به حیات نکبتبارش خاتمه بخشید. "اعظم رهنورد زریاب" نور چشم ایران و "رژیم کربلائی و شووینست ایران" بود و خدمتگار و خدمتگزار صادق آن رژیم توسعه طلب و مداخله گر، که منطقه ما از دستش به داد رسیده و به اصطلاح عامیانه کابلی، "کون ده کون" گشته است:

- "زریاب" هر سال به دعوت "جمهوری اسلامی ایران" رهسپار آن کشور گشته و هر بار حدود یک ماه را به حیث مهمان عزیز و عالیقدر آن رژیم سپری میکرد.

- "رهنورد زریاب" در ظاهر امر به دعوت نویسنده مشهور ایران، "محمود دولت آبادی"، عازم ایران میشد، مگر میزبان و مهماندار اصلی و پشت پرده وی، خود رژیم "فلوته‌باز" و سیطره جوی و توسعه طلب ایران بود.

- "زریاب" ظاهراً در آن کشور "کانفرانسها" دائر کرده و از "فرهنگ و دانش و زبان فارسی" داستانسرای کرده داد سخن میداد، اما سفرهای او به ایران، در گنه ذاتش، جهت تقدیم "راپور کار" و گرفتن "هدایات جدید" بود، که برای یکسال مدّ نظر گرفته میشد.

- "رهنورد زریاب" وظیفه گرفته بود، که مطبوعات و نشرات افغانستان و بالخاصه تلویزیونهای مهم وطن را نشانه گرفته و مسخ کند و ازین کار هدف دیگری نداشت، جز حذف کردن "ترمینولوژی ملی مطبوعاتی" ما و تعویض آن با ترمینولوژی خاص و در اکثر موارد، منحن و مبتدل فارسی ایران.

- جایگاه و پایگاه عمل "رهنورد زریاب" ظاهراً "تلویزیون طلوع" بود، ولی غیر مستقیم تلویزیونهای دیگر از قبیل "آریانا" یا atn؛ یعنی Ariana Television Network را نیز زیر چتر کار خود قرار میداد.

- "رهنورد زریاب" مأمور رسمی و عالیقدر "تلویزیون طلوع" بود، که با معاش گزارف "دو هزار دالری" اجرای وظیفه میکرد. موثر خاص تلویزیون "طلوع" روزانه و در ساعات معین پیشین به سراغ "رهنورد زریاب" می آمد و او را با "اخ و دپ" به ستودیوی آن تلویزیون میبرد، تا به اصلاح و تصحیح و تنقیح اخبار و گزارشها بپردازد.

- وظیفه او تصحیح و تنقیح اخبار و گزارشها و مواد نشراتی آن تلویزیون از نگاه "زبان" بود و همو بود، که اصطلاحات خاص فارسی ایران را جانشین کلمات و اصطلاحات مطبوعاتی و ملی ما میکرد!!!

- "رهنورد زریاب" بود، که تعیین میکرد، که کدام کلمات و اصطلاحات بر زبان نطقان و خبرنگاران و راپورترها جاری شوند و از استعمال کدام کلمات و اصطلاحات پرهیز گردد!!!

- "رهنورد زریاب" بود، که شیوه غلط املائی "رهنمود املای دری" - محصول کار اتحادیه نویسندگان دوره خلق و پرچم - را در این تلویزیون رائج ساخته و زیرنویسهای اخبار را فقط و فقط با همین املای غلط می آراست!!!

- "رهنورد زریاب" اخطار داده بود، که اگر کسی از نطقان و راپورتران و گزارشگران پروگرامهای دری، کلمه "پوهنتون" را به کار بُرد، "ده دالر" مجازات خواهد شد!!!

- همین "محمد اعظم رهنورد زریاب" بود، که حکم میکرد و فرمان میداد، تا در عوض کلمات و اصطلاحات عامی ملی ما از قبیل «پوهنتون» و "صدراعظم" و "سرمنشی" و "کلوب(کلب)" و "جلسه(مجلس و اجلاس و کنفرانس)" و "کانفرانس مطبوعاتی" و "سابق" و "آخر" و "شکل(صورت)" و "شاهد" و "اساس" و "بشاروالی" و "محکمه" و "ولسی جرگه" و "شفاخانه" و "خاص(مخصوص)" و "راپور" و "تکنالوژی" و "فستیوال" و "قومندان" و "اردو" و "لوی درستیژ" و "هویت" و "توقیف(دستگیر)" و "عکس العمل" و "دوسیه" و...، اصطلاحات خاص و مخصوص و غالباً "هشت رخ نه گرد" فارسی ایران؛ یعنی «دانشگاه» و "نخست وزیر" و "دبیر کل" و "باشگاه" و "نشست" و "نشست خیری" و "پیشین" و "پسین" و "گونه" و "گواه" و "بنیاد" و "شهرداری" و "دادگاه" و "مجلس نمایندگان" و "بیمارستان" و "ویژه" و "خبرنامه" و "فناوری" و "جشنواره" و "فرمانده" و "ارتش" و "رئیس ستاد ارتش" و "کیستی" و "بازداشت" و "واکنش" و "پرونده" و... استعمال کردند!!!

(قابل تذکر میدانم، که اگر کسی در زمینه این لغات و هزاران لغت و اصطلاح مماثل آن بخواهد با این فلم وارد بحث گردد، پیشانی باز و جبین کشاده ام را پیشکشش میکنم!!!)

- "محمد اعظم رهنورد زریاب" با الهام از "دانشمندان منحرف و زبان ناشناس ایرانی"، جداً معتقد به "سره ساختن" یا "خالص ساختن" زبان دری/فارسی بود، که در کشور کثیراللسانی چون "افغانستان"، حکم "زهر مُقاتل" و گویا "زهر هلاهل" را دارد. چون اگر "دری زبانان افغانستان" در صدد "خالص ساختن زبان دری" برآیند، و "پشتوزبانان افغانستان" به عمل شوم "خالص ساختن زبان پشتو" انهماک ورزند، "افهام و تفهیم موجود" در بین مردم ما برهم میخورد و بالوسیله بر "وحدت ملی" ما صدمه سنگین و جبران ناپذیری وارد میگردد!!!

- "اعظم رهنورد زریاب" دشمن "افغان و افغانستان" بود و از سردستگان سرسپرده "افغانستانی‌ها". این گروه منحن، مردم افغانستان را به دو دسته تقسیم میکنند:

- یکی "افغان" به معنای "پشتون"

– و دیگری "افغانستانی"؛ یعنی "تبعه غیر پشتون افغانستان"

پس "تقسیم کردن مردم افغانستان" به "پشتون و غیر پشتون(حتی ضد پشتون)"، جزء فلسفه وجودی این منحرفان تاریخ و فرهنگ است. اینها دشمنان کشور عزیز و محبوبی به نام "افغانستان" استند، که میکوشند این "نام مبارک" و "اسم مقدس" از سرلوحه و عنوان سرزمین ما برداشته شود؛ پس اگر به این گروه "خائن ملی" خطاب گردد، عین صواب است و صواب صائب و محقق!!!

و ... و ... و

سخن در مورد "اعظم رهنورد زریاب" و "زریابهای مکتوم دیگر"، و کارنامه شوم و مضموم ایشان بسیار زیاد و در حدّ یک کتاب ضخیم و قطور و حجیم است، مگر بر سیل نمونه و به اصطلاح عوام کابلی، به حیث "چَشک"، به همین چند نکته اکتفاء کردم.

تمام نکات و سخنانی را، که بر حسب مثال پیش کشیدم، یا از اشخاص و منابع ثقه شنیده و دریافته ام و یا از خلال داستانها و رومانهای "رهنورد زریاب" بیرون کشیده ام. اگر باور ندارید، داستانهای "چار گرد قلا گشتم" و "درویش پنجم" و "گلنار و آینه" و "پایان کار سه رویین تن" و دیگر آثار "رهنورد زریاب" را از نظر بگذرانید!!!
آرزومندم، که جناب "پوهاند دودیال صاحب" به حیث یک افغان وارسته و باوجدان و دانشمند و طنخواه به عرائضم، که از اعماق یک قلب پردرد و دلسوز برخاسته است، توجه کرده باشند!!!
مردم فهیم کابل قدیم در مورد اعمال و کارنامه اشخاص، مُدام میگفتند:

«برابر دوغش، پاغنده میزنه!!!»

در سطور بالا و ضمن تمام نکاتی، که در مورد "محمد اعظم رهنورد زریاب" نوشتم، مُفادِ همین ضربالمثل قدیم و شیرین کابلی را مدّ نظر داشتم و نه بیشتر از آن را!!!
با محبت فراوان او په درناوی
(خلیل الله معروفی – جرمنی – ۱۱ دسمبر ۲۰۲۱)



برای مطالب دیگر خلیل الله معروفی روی عکس کلیک کنید